

دعا از دیدگاه قرآن و حدیث

برات محمد هدایتی^۱

ذاکر حسین ناصری^۲

چکیده

دعا و نیایش یکی از مباحثی است که به شکلی غریزی در وجود انسان قرار داده شده است. حالت و فعلی است که انسان توسط آن، از وجود محدود و مادی خود فراتر رفته و ارتباطی نزدیک و صمیمانه با وجودی نامحدود و فراتر از هر زمان و مکان و فارغ از هر قید و بندی، را برقرار می‌کند. در چنین حالتی، گاهی انسان به سراغ بهترین دوست می‌رود تا با او راز دل گوید. در هر حال، تنها راه درمان و آرامش، انس با محبوب و باز کردن سفره دل نزد معشوق است، یعنی رابطه بین خلق و خالق است. این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی تهیه شده است که پس از ذکر مقدمه و مطالبی چند در مورد دعا، اهمیت، فضیلت دعا، آداب شرایط دعا و موانع استجاب دعا توضیح داده شده است.

کلید واژه‌ها: دعا، استجاب، موانع، معنویت، قرآن، روایات.

۱. مدرس جامعه المصطفیٰ العالمیه خراسان

۲. کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفیٰ العالمیه خراسان

۱. مفهوم‌شناسی دعا

در لغت «دعا» به معنای «خواندن» آمده است، اما در عرف علما اینکه انسان زبان زبان خود را در پیشگاه الهی بگشاید و با التماس و تضرع آنچه را که در دل دارد را از خداوند متعال درخواست نماید. ابن فهد حلی می‌گوید: «الدَّعَا لِعَتَا النِّدَاءِ وَ الْاِسْتِدْعَاءِ تَقُولُ دَعَوْتَ فَلَانَا اَذَانَدَيْتَهُ وَ صَحَّتْ بِهِ». (حلی، ۱۴۰۷ق: ۹) راغب اصفهانی نیز در کتاب لغت خود می‌گوید دعا یعنی ندا کردن، بلندکردن صدا و اظهار آن است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۱۵)

دعا در اصطلاح به اظهار نیاز و خواهش کردن بندگاه الهی از ذات قادر مطلق گفته می‌شود. (سیاح، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۶۳)

دعا یکی از اعمال زیاد سفارش شده اسلام است. مهم‌ترین کتاب و مقدس‌ترین کتاب‌ها قرآن کریم نزد مسلمانان است که قرآن در آیات متعدد به دعا کردن سفارش می‌کند که در این مقام به چند آیه اشاره می‌کنیم:

«وَ قَالَ رَبُّكُمْ اِدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ». (غافر: ۶۰)

– و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، آنان که از عبادت من تکبر ورزند، به زودی خوار و رسوا به دوزخ درآیند.

«وَ اِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَاِنِّي قَرِيْبٌ اُجِيْبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيْبُوْا لِيْ وَ لِيُؤْمِنُوْا بِيْ لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُوْنَ». (بقره: ۱۸۶)

– هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند، [بگو]: یقیناً من نزدیکم، دعای دعاکننده را زمانی که مرا بخواند اجابت می‌کنم؛ پس باید دعوتم را بپذیرند و به من ایمان آورند، تا [به حق و حقیقت] راه یابند [و به مقصد اعلی برسند].

«ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ». (اعراف: ۵۵)

– پروردگارتان را از روی فروتنی و زاری و مخفیانه بخوانید [و از آداب و شرایط دعا تجاوز نکنید]؛ یقیناً خدا متجاوزان را دوست ندارد.

«اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوْءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْاَرْضِ اِنَّهٗ مَعَ اللّٰهِ قَلِيْلًا مَا تَذَكَّرُوْنَ». (نمل: ۶۲)

– آیا کسی که دعای مضطرب را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد، و شما را خفای زمین قرار می‌دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می‌شوید.

از این آیات الهی معلوم می‌شود که دعا، عبادتی است که خداوند حکم به آن نموده است. و از همین آیات روشن می‌شود که مفاهیم این آیات بعضی به بندگان الهی و دعاکنندگان مربوط می‌شود و بعضی دیگر به خالق دو جهان؛ اما آنچه که به انسان‌ها یا بندگان مربوط می‌شود سؤال کردن و استغاثه کردن است، از درگاه الهی آن هم در حال تضرع و خفیه. با این مفاهیم مشخص می‌شود که بندگان در وقت دعا کردن باید حالت تضرع خفیه داشته باشد که دعا کاری نیست در هر جا بخواند بلکه به جای خلوت و آرام نیاز دارد.

مفهوم دیگری که به بندگان مربوط می‌شود اخلاص بنده است که هرکاری را از روی اخلاص و فقط برای خدا انجام دهد. اما آنچه در این آیات به خداوند مربوط می‌شود این است که:

۱. خالق دو جهان به بندگان خیلی نزدیک است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾. (ق: ۱۶) خدا از رگ گردن به انسان نزدیکتر است.

۲. مفهوم دیگر آیات که به خداوند مربوط می‌شود که خدا باعث و علت رشد و تعالی انسان است، یعنی یک تعامل دو طرفه است که انسان دعا می‌کند و خدا هم به او جایگاه و مقام و منزلت می‌بخشد که خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا﴾. (فرقان: ۷۷) بگو: «پروردگرم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد؛ شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید، و (این عمل) دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد.

۳. و در جای دیگر خداوند می‌فرماید: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُون﴾. (بقره: ۱۵۲) پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم! و شکر مرا گوئید و (در برابر نعمتهایم) کفران نکنید.

۴. مفهوم دیگری که به خداوند ارتباط دارد این است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾. (بقره: ۱۸۶) هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند، [بگو]: یقیناً من

نزدیکم، دعای دعا کننده را زمانی که مرا بخواند اجابت می‌کنم؛ پس باید دعوتم را بپذیرند و به من ایمان آورند، تا [به حق و حقیقت] راه یابند [و به مقصد اعلی برسند]. حال این سؤال در ذهن ما می‌آید آن حالاتی که مربوط به انسان‌ها می‌شود چگونه در او پیدا می‌شود؟ ممکن در قدم او و فکر ابتدایی انسان‌ها این به ذهن و عقل انسان می‌گفتی ما گرفتار شویم یا به مشکلی برخورد کنیم این حالات به دست می‌آید، آیا این فکر درست است؟ این تصور و فکر در باره دعا که هر وقت گرفتاری و مشکلی پیش آمد دعا کند درست نیست، چون که خداوند می‌فرماید: ﴿فَاذْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ﴾، نفرموده که وقتی گرفتاری پیش آید مرا یاد کنید، بلکه فرمود که مرا یاد کنید من هم شما را یاد کنم.

از این آیه استفاده می‌شود که خدا را همیشه یاد کنیم چه در گرفتاری باشیم و چه در غیر گرفتاری و آن حالات وقتی پیدا می‌شود که انسان خود را خوب بشناسد که پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «من عرف نفسه فقد عرف ربه». (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۲) امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «اطلبوا العلم و لو بالصَّيْنِ و هو علم معرفة النفس و فيه معرفة الرب». (همان)

حضرت علی علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید: «افضل المعرفة معرفة الانسان نفسه»؛ برترین آگاهی و معرفت آن است که انسان نفس خود را بشناسد. (انصاری قمی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۷۹)

انسان با معرفت خود و خدای خود همیشه به حال تضرع و خفیه و اضطرار را به دست می‌آورد، چون وقتی او دقت می‌کند می‌فهمد که انسان ضعیف است و فانی و خدای او قوی و باقی است که خدا نیز به ضعیف بودن انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿خلق الانسان ضعيفاً﴾ (نساء: ۲۸؛ الرحمن: ۲۷-۲۶) و در قرآن به جاویدانه بودن خالق جهان اشاره می‌کند که می‌فرماید: ﴿كل من عليها فان و يبقى وجه ربك ذو الجلال و الاكرام﴾. وقتی انسان به همین دو آیه دقت کند می‌فهمد که انسان ضعیف است و خدا قوی و انسان فانی است و خالق او و باقی. به همین دو چیز اگر توجه کند خالت تضرع و اضطرار و اخلاص پیدا می‌شود و قتی این حالت آمد دعا نیز از عمق وجود انسان‌ها جاری می‌شود و وقتی دعایی از عمق وجود انسان جاری شد آن دعا نزد الهی مورد قبول واقع می‌شود.

۲. اهمیت و فضیلت دعا

در دین مقدس اسلام دعا کردن در پیشگاه خدا خدا زیاد مورد تأکید واقع شده است، تاجایی که خداوند کریم در قرآن کریم می فرماید: «وقال ربکم ادعونی استجب لکم» (غافر: ۶۰) و در ادامه آیه می فرماید: «ان الذین یستکبرون من عبادتی سیدخلون جهنم داخرین»؛ کسانی که از عبادت و دعا کردن تکبر می‌ورزند خداوند آن‌ها را دوست ندارد و آن گروه را به جهنم داخل می‌کند.

این آیه به سه نکته اشاره می‌کند:

۱. هر که دعا کند خدا دعای او را قبول می‌کند؛ «ادعونی استجب لکم».
۲. خدا دعای بندگانش را دوست دارد که خوش حکم به دعا کردن می‌کند؛ «ادعونی».
۳. دعا نوعی از عبادت‌های بزرگ الهی است که در همین آیه به آن اشاره شده است؛ «عبادتی».

در روایات نیز به افضلیت دعا اشاره شده است یکی از این روایات، روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام است:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَجُلَيْنِ افْتَتَحَا الصَّلَاةَ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَتَلَا هَذَا الْقُرْآنَ فَكَانَتْ تِلَاوَتُهُ أَكْثَرَ مِنْ دُعَائِهِ وَدَعَا هَذَا أَكْثَرَ فَكَانَ دُعَاؤُهُ أَكْثَرَ مِنْ تِلَاوَتِهِ ثُمَّ أَنْصَرَفَا فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ كُلُّ فِيهِ فَضْلٌ كُلُّ حَسَنٌ قُلْتُ إِنِّي قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ كُلَّ حَسَنٍ وَ أَنَّ كُلَّ فِيهِ فَضْلٌ فَقَالَ الدُّعَاءُ أَفْضَلُ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾، هِيَ وَاللَّهُ الْعِبَادَةُ هِيَ وَاللَّهُ أَفْضَلُ هِيَ وَاللَّهُ أَفْضَلُ ... (طوسی، ج ۲: ۱۰۴، ح ۳۹۴)

می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم که دو نفر همزمان شروع به خواندن نماز می‌کند یکی تلاوت قرآنش بیشتر از دعا کردن اوست و دیگری دعا کردنش بیشتر از تلاوتش است و هر دو همزمان نماز را به پایان می‌برند، کدام یک افضل است؟ امام علیه السلام فرمود که هر دو افضل است و هر دو خوب است. عرض کردم من هم می‌دانم هر دو افضل و هر دو خوب است. بعد امام علیه السلام فرمود که دعا فضیلتش بیشتر است مگر نشنیده‌ای این سخن خدا را که می‌فرماید: «و پروردگارتان فرمود مرا بخونید تا پاسخ‌تان

دهم؛ همانا کسانی که از عبادت من تکبر می‌کنند به زودی با خواری به جهنم در می‌آیند». بعد امام علیه السلام با تأکید و قسم فرمود که دعا عبادت است و افضل هم است. و در روایت دیگری به نقل از عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام نقل شده است که امام می‌گوید: «أَنْتُمْ سَأَلْتُمْ عَنْ رَجُلَيْنِ قَامَا أَحَدُهُمَا يُصَلِّي حَتَّى أَصْبَحَ وَالْآخَرُ جَالِسٌ يَدْعُو أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟ قَالَ الدَّعَاءُ أَفْضَلُ.» به امام صادق علیه السلام عرض کردم که دو نفر یکی تا صبح نماز می‌خواند و دیگری نشسته و دعا می‌کند، کدام یک برتر است؟ امام علیه السلام فرمودند: دعا کردن برتر است. (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۴: ۳۳۱)

با این روایات ثابت می‌شود که دعا افضل و برترین عبادت‌های الهی است. در اینجا به این نکته باید توجه کنیم که محبان اهل بیت علیهم السلام فقط به دعا کردن اکتفا نکنند بلکه نماز و قرائت قرآن نیز اهمیت بدهند و به دعا بیشتر اهمیت بدهند، چون که دعا روح و مغز عبادت است که فرمود: «الدعا مخ العباده». (حلی، ۱۴۰۷ق: ۲۹ و ۳۰)

۳. آداب و شرایط استجاب دعا

برای هر چیزی آداب و شرایطی است و برای دعا کردن نیز آداب و شرایطی ذکر شده است. در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۳. ۱. آداب دعا

آنچه را که انسان باید بداند که چه چیزی را از خدا طلب می‌کند و در وقت طلب یا درخواست از خداوند چه کلاماتی را ذکر و استخدام می‌کند، به ادب دعا تعبیر می‌کنیم. قرآن کریم و معصومین علیهم السلام به ما می‌آموزند که چگونه دعا کنیم و چه چیزی را از خداوند بخواهیم که هم سعادت دنیا در آن باشد و هم سعادت آخرت؛ قرآن کریم به اهل ایمان می‌فرماید که چه چیزی را با چه کلماتی از خداوند درخواست کند:

۳. ۱. ۱. آداب در گفتار

خداوند شیوه دعا کردن و اینکه انسان از خداوند چه بخواهد را این گونه بیان می‌کند:

۱. «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي آخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». (بقره: ۲۰۱)

۲. ﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن سَبَبْنَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾. (بقره: ۲۸۶)

۳. ﴿رَبَّنَا لَا تَرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا﴾. (آل عمران: ۸)

از این آیات و آیات دیگر قرآن و از گفتار معصومین علیهم السلام معلوم می‌شود که رعایت آداب در مستجاب شدن دعا شرط است.

۳. ۱. ۲. اخلاص در دعا

«اخلاص» یا «خالص» در لغت به هر آن چیزی گفته شده که با چیز دیگری مخلوط نشده باشد، اما در عرف، اخلاص یا خالص به چیز یا کاری اطلاق می‌شود که عمل یا کار فقط و فقط برای قرب الهی انجام شود که یکی از کارهای خوب یا عبادت خدا دعا است که اگر آن را با اخلاص انجام دهد به استجابت خداوند نزدیک می‌شود. در این باره امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان العبد اذا دعا الله تبارك و تعالى بنيت صادقة و قلب مخلص استجيب له بعد وفاته بعهد الله عز و جل»؛ وقتی بنده‌ای خداوند تبارک و تعالی را با نیت صادق و قلب خالص شده بخواند خداوند بعد از آنکه بنده‌اش به عهدش با او وفا کرد، دعایش را مستجاب می‌کند. (مفید، ۱۳۹۲: ۳۷۹)

در مورد اخلاص نیز در قرآن کریم به پیامبر گرامی اسلام خطاب شده است که: ﴿قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین﴾. (انعام: ۱۶۲) بگو ای پیامبر؛ به تحقیق نماز و تمام اعمال و زندگی و مرگم برای خدا است که پروردگار جهانیان است. و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿فاعبد الله مخلصاً له الدین الا الله الدین الخالص﴾. (زمر: ۳) خدا را عبادت کن و دین را برای او خالص گردان؛ آگاه باشید که دین خالص برای خداوند است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام عبادت بندگان خدا را به سه قسم تقسیم می‌کند و می‌فرماید: «ان قوماً عبدوا الله رغبة فتلك عبادة التجار و ان قوماً عبدوا الله رهبة فتلك عبادة العبيد و ان قوماً عبدوا الله شكراً فتلك عبادة الاحرار». (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴)

گروهی خدا را عبادت کردند برای جنت و پاداش الهی که آن عبادت تجار است و گروهی نیز خدا را عبادت کردند از روی جهنم و عذاب الهی که این عبادت غلامان است

و گروهی هم عبادت کردند نه برای پاداش و نه برای ترس جهنم، بلکه از روی شکر و سپاس که این عبادت آزادگان است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در جای دیگری می فرماید: «الهی ما عبدتک خوفاً من نارک و لا طمعاً فی جنتک بل وجدتک اهلاً للعباده فعبدتک؛ خدایا من تورا پرستش نکردم از روی ترس از جهنم و پرستش نکردم به طمع جنت، بلکه تو را عبادت می کنم به این خاطر که فقط تو را شایسته پرستش می بینم.» (مجلسی،؟؟؟، ج ۴۱: ۱۴)

۳. ۱. ۳. واسطه قرار دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام

از آنجا که انسان های غیر معصوم مرتکب گناه و اشتباه شده، به خاطر همین نزد خداوند آبرو ندارد، پس باید انسان کسی را که نزد خدا مقام و منزلت دارد واسطه یا وسیله ی خود قرار دهد، تا دعای انسان به قبولی نزدیک شود که خداوند نیز در قرآن می فرماید: ﴿وَبِتَّوَا إِلَیْهِ الْوَسِیْلَةَ﴾. (مائده: ۳۵)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «والله نحن الوسیله فی القرآن؛ آن وسیله ای که قرآن روی آن تأکید می کند ما هستیم.» (هویدی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۹۰؛ مغربی، المناقب ج ۳: ۷۵)

حضرت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز می فرماید: «اجعلونی فی اوّل الدعاء و فی وسطه و آخره؛ مرا در اول دعا و در وسط دعا و آخر دعا قرار دهید.» (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۱۴۲)

۳. ۲. شرایط دعا

۳. ۲. ۱. حال دعا داشتن

یعنی شخص دعا کننده با تمام وجودش به ذات مقدّس الهی توجه کند و از غیر خداوند به طور کلی قع رابطه کند و در کارهای خیر پیش قدم باشد که خداوند فرمود: ﴿یسارعون فی الخیرات﴾. (انبیاء: ۹۰)

۳.۲.۲. توجه به خداوند متعال

دعا کننده باید با توجه کامل خداوند متعال را بخواند چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «لا یقبل الله دعاء قلب ساه؛ خداوند دعای دلی را که غافل است نمی پذیرد». (حرعاملی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۳)

۳.۲.۳. رعایت زمان دعا

اگرچه در رحمت الهی همیشه و در هر زمان بر روی بندگانش باز است اما به فرموده معصومین علیهم السلام خداوند به بعضی از زمان‌ها مثل ماه مبارک رمضان و به خصوص شب های قدر و یا روز عرفه یا عید قربان، عید فطر و شب جمعه عنایت خاصی دارد. امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُنَادِي كُلَّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَدْعُونِي لِدِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأُجِيبُهُ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَتُوبُ إِلَيَّ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ قَدْ قَتَرْتُ عَلَيْهِ؛ خداوند در هر شب جمعه از اول تا آخر شب از عرش الهی ندا می کند که آیا بنده مؤمنی نیست که مرا برای دین و دنیای خود بخواند تا او را اجابت کنم». (حرعاملی، ۱۳۸۷، ج ۷: ۷۸)

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد استجاب دعا در ماه مبارک رمضان در خطبه شعبانیه می فرماید: «هو شهر دعیتم فيه الى ضيافته الله و جعلتم فيه من اهل كرامه الله انفاصكم فيه تسبيح و دعائكم فيه مستجاب؛ ماهی که در آن شما را به میهمانی خدا دعوت کردند و شما در آن از اهل کرامت خدا شده اید. نفس های شما در آن ثواب تسبیح و ذکر خدا را دارد و دعای شما در این ماه مستجاب است». (ابن بابویه، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۹۵)

۳.۲.۴. توجه به مکان دعا

جایی که بندگان خدا دعا می کند در استجاب دعا اهمیت خاص دارد هر چه مکان مقدس و پاک باشد دعا به استجاب نزدیک تر است مثل مکه، مدینه، حرم امام ها و امام زاده ها و مساجد و... امام رضا علیه السلام می فرماید: «کسی در آن کوهها توقف نمی کند در حالی که به مکه و کوه های اطراف آن اشاره می کرد. مگر اینکه دعایش مستجاب

می‌شود. مگر دعای مؤمن در آخرتش اجابت می‌شود و دعا کافر در دنیايش». (حلی، ۱۴۰۷ق: ۴۷)

۴. موانع استجاب دعا

همان طوری که برای تسریع استجاب دعا عواملی وجود دارد، برای عدم استجاب دعا نیز عواملی دارد که ما در این مقام به مواردی چند به اختصار اشاره می‌کنیم:

۴. ۱. گناه

گناه دشمن خطرناک انسان‌ها است که او را از نعمت معنوی و مادی الهی دور می‌کند و مانع بزرگی در مسیر واقع نمی‌شود و این گناه باعث افتادن به جهنم می‌شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «درشگفتیم از مردمی که از غذا پرهیز می‌کنند چون می‌ترسند به سلامتی‌شان آسیب برسانند. چگونه از گناهان که آن‌ها را به آتش جهنم می‌آندازد دوری نمی‌کنند؟!». (هندب، ۱۴۳۱ق، ج ۳: ۵۰۳)

و از گناهانی که موجب زوال نعمت‌های الهی می‌شود یکی ظلم به پدر و مادر است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نا فرمانی والدین از گناهان کبیره است، زیرا خداوند فرزند نا فرمان را عصیانگر (گناهکار) و بدبخت قرار داده است». (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۴: ۷۴)

۴. ۲. مصلحت

خداوند قدرت بر آوردن حاجات تمام بندگان را دارد، اما گاهی حاجت بر آورده نمی‌شود چون انسان چیزی را از خداوند طلب می‌کند که به مصلحت او نیست؛ «وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خیر است و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بد است و خدا [مصلحت شما را در همه امور] می‌داند و شما نمی‌دانید. (بقره: ۲۱۶)

۴. ۳. ظلم به دیگران

خداوند به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: به مردم بگو دعای کسی را که به دیگران ظلم کرده، مستجاب نخواهم کرد. (حلی، ۱۴۰۷ق: ۶۶)

۴.۴. نبود قابلیت

قرآن کریم در واقعه طوفان نوح علیه السلام پس از آنکه درخواست حضرت، مبنی بر نجات فرزند خویش را نقل می‌کند، می‌فرماید: ﴿یا نوح انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح فلا تسالن ما لیس لک به علم انی اعظک ان تکون من الجاهلین﴾. (هود: ۴۶)

نتیجه‌گیری

دعا امری ضروری و لازم است که آیه کریمه ﴿قل ما یعبوا بکم ربی لولا دعاؤکم﴾ (فرقان: ۷۷) ناظر به همین معناست؛ یعنی دعا یگانه راه ارتباط بندگان با مبدأ بوده و تنها وسیله‌ای است که خداوند متعال برای ارتباط با خود مقرر فرموده است. به عبارت دیگر، مجموعه دعاهای مأثوره و نقل شده از معصومین علیهم السلام رابطه‌ای میان خلق و خالق برقرار می‌کند که اگر این ارتباط و توجه به مبدأ نباشد، خدای منان عنایت خاص خود را قطع خواهد کرد و در این صورت، بندگان استعداد پذیرش این عنایت را از دست داده و مقتضای رحمت الهی را از کف می‌دهند.

قرآن کریم این حالت را نوعی «استکبار» می‌داند، آن هم از موجودی که تکویناً هیچ حیثیتی جز حیثیت ربط و بندگی ندارد، آنجا که می‌فرماید: ﴿و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین﴾؛ و پروردگار شما فرمود که مرا بخوانید تا دعای شما را مستجاب کنم. کسانی که از پرستش من گردن‌کشی می‌کنند، به زودی با خواری داخل جهنم خواهند شد. (غافر: ۶۰)

منابع و مأخذ:

قرآن کریم (ترجمه حسین انصاریان)

نهج البلاغه

— انصاری، محمدعلی (۱۳۷۳)، ترجمه غرر الحکم و درر الکلم، دو جلد،

تهران.

- حلی، احمد بن فهد (۱۴۰۷ق)، عدّة الدعی، بیروت: دار الاضواء.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- هندی، علاء الدین، علی متقی (۱۴۳۱ق)، کنز العمال، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۳۹۲)، الاختصاص، تهران: نوید اسلام.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶)، بحار الانوار، ترجمه محمدباقر بهبودی، تهران: اسلامیه.
- هویدی، محمد (۱۳۸۵)، تفسیر معین، ترجمه مختار محمدیان و احمد برادری، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۴)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، تهران: دارالکتب الاسلامیه.